



اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

شماره ۲۴۹
۱۲ اسفند ۱۳۸۳
۲ مارس ۲۰۰۵

ایسکرا

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

اطلاعات نیروهای انتظامی تعدادی از فعالین سیاسی در سنندج را احضار کرد

در آستانه ۸ مارس سازمان اطلاعات رژیم تعدادی از فعالین سیاسی و اجتماعی سنندج را احضار و تحت فشار قرار داده است. بر اساس خبری که در سایت اخبار روز منتشر شده است. در تاریخ ۹ اسفند دیبا علیخانی و رویا طلوعی به اطلاعات نیروی انتظامی احضار شده اند. طبق خبری که به دست ما رسیده است دیبا علیخانی روز ۱۱ اسفند هم برای بار دوم احضار شده است. قبلاً آزاد زمانی و پیمان نودینیان هم احضار شده بودند. تحت فشار قرار دادن فعالین سیاسی و

صفحه ۴

شهلا قربانی سنتهای عقب مانده شد

صفحه ۳

جمع آوری ماهواره ها در سنندج و مریوان

صفحه ۴

مراسمهای ۸ مارس را با قدرت برگزار کنیم



محمد آسنگران

این روز قوانین مذهبی را تثبیت کنند، مردم همه قوانین شان را زیر پا له کردند. جمهوری اسلامی تلاش کرد در این روز میکروفونها را به میدان خطابه آخوندهای از گور برخاسته تبدیل کند. مردم هر آخوندی را با دیده تحقیر نگاه کردند و کنار زدند. چهرهای محبوب خود را از میان

صفحه ۲

بندهای مذهبی و سرمایه داری باشد. جمهوری اسلامی سالها تلاش کرد که این روز را به روز مرگ یا تولد یکی از امامانشان تبدیل کند. جامعه نپذیرفت و تمام تلاش رژیم را با شکست روبرو کرد. تلاش کردند این روز را مذهبی کنند، مردم روزهای مذهبییشان را با حسین پارتی جواب دادند. تلاش کردند در

روز جهانی زن، ۸ مارس برابر با ۱۸ اسفند امسال روز قدرت نمایی جنبش برابری طلبانه در ایران است. امسال مردم و فعالین جنبش برابری زن و مرد در ایران وسیعاً به استقبال روز جهانی زن رفته اند. برگزاری مراسمهای ۸ مارس امسال میتواند نمایش قدرت جنبش ما، نمایش قدرت جنبش رهایی از همه قید و

جمهوری اسلامی یک فعال کارگری را در سنندج ربوده است

صفحه ۴

لغو مجوز "کانون زنان کرد مدافع صلح و حقوق بشر"
در سنندج را محکوم میکنیم

صفحه ۳

سردبیر ایسکرا منصور فرزاد

Tel: 0046 73 770 64 54
E.mail:
mansoorfarzad@yahoo.se

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران

tel: 0049 1633458007
E.mail:
asangaran@aol.com

تلویزیون کانال جدید تا ۱۰ شب

Satellite: Telstar12

Center Frequency:
12608MHz

Symbol Rate:19279

FEC:2/3

Polarization:Horizontal

رادیو انترناسیونال

۹ هر شب

رادیوی قوی با پوشش سراسری در ایران

صدای آزادی ، صدای حقیقت
صدای کارگر، صدای انسانیت
به همه طول موج
رادیوی را معرفی کنید

۴۱ متر برابر
با ۷۴۹۰ کیلو هرتز

ایسکرا
چهارشنبه ها منتشر
میشود

ادامه مراسمهای ۸ مارس را با ...

انسانهای متمدن و رادیکال برگزیدند. برای درک واقعیات جامعه ایران کافی است فضای امروز را با ۱۵-۲۰ سال پیش مقایسه کنیم.

نسلی که امروز نیروی فعاله و موثر در جامعه ایران است، نسلی است که هیچ بدهکاری به هیچ کسی احساس نمیکند. این نسل طلب کار است. طلبهایش را از حکومت میخواهد. پر مدعا و پر توقع است. این نسل، نسلی است بدون توهم به مذهب، بدون توهم به آخوند، بدون توهم به سنت های رایج و منتقد گرایشات سنتی، ملی و مذهبی است. این نسل کل سیمای جامعه را دستخوش تغییرات جدی کرده است.

این نسل هیچ شباهتی با نسل ۵۷ ندارد. مدرن، غربی، و خواهان تغییر است. تغییر نسلی در ایران مهرخودش را نه تنها به ۸ مارس روز جهانی زن بلکه به همه پدیدههای سیاسی و اجتماعی زده است.

حزب کمونیست کارگری ایران با شناخت این نسل و شناخت پتانسیل و توان آن، شناخت از میدان مانوری که این نسل دارد توانسته است صدای رسایی باشد که این نسل را متوجه خود کند. کسی که پتانسیل این نسل با تمام خصوصیاتش را شناسد، ناچار به حرکتی ضد تاریخی میشود.

در بطن چنین جامعه ای و وجود چنین نسلی ما داریم از ۸ مارس و مراسمهای آن حرف میزنیم. و تلاش میکنیم که امسال ۸ مارس بسیار متفاوتی را داشته باشیم. امسال میتوان ابعاد توده ای به میتوان رادیکال و بدون تخفیف

مطالبات برابری طلبانه را در جامعه ایران تثبیت کرد. ۸ مارس باید در عین حال پیروزی چپ در جامعه را بطور برجسته ای نشان دهد. امسال میتوان و باید مراسمهای ۸ مارس سرخ برگزار شوند. پرت کردن حجاب و نقد قوانین و سنتهای عقب مانده و مذهبی تنها گوشه هایی از ۸ مارس امسال خواهد بود. نسل جوان همان کاری را که امسال در دانشگاه علیه خاتمی و کل جمهوری اسلامی کرد در ۸ مارس در ابعادی توده ای تر به پیش میبرد. این نسل تجربه شکست نسل انقلاب ۵۷ را شنیده است، اما هیچ قربانی با آن ندارد. جمهوری اسلامی توان و قدرت شکست این نسل را ندارد.

رژیم اسلامی ایران هم در ابعاد کشوری و هم در ابعاد جهانی با مشکلات غیر قابل حلی گریبانگیر است. تنگناهای رژیم دست مردم را برای تعرض به رژیم بازتر کرده است. جمهوری اسلامی امروز پشم و پیله اش ریخته است و زیر فشارهای خرد کننده داخلی و خارجی در حال جان کندن است.

چپ و رادیکالیسم در جامعه امسال بیش از هر زمانی نموده های اجتماعی را به همگان نشان داده است. اعتراضات ۱۶ آذر در دانشگاهها، و شعارهای بشدت رادیکال و انسانی آن، جشن آدم بریفهای کردستان، اعتصابات وسیع کارگری، نمونه پیروزی کارگران نساجی کردستان، ابراز وجود رهبران و فعالین کارگری در ایران، همگی شروع یک فاز جدید در پیشروی مردم علیه رژیم اسلامی را نشان میدهد.

هنگامی که تحقیق میکنند و میگویند در دانشگاهها چپ و کمونیسم دست بالا پیدا کرده است، هنگامی که خاتمی در ۱۶ آذر امسال یادش می افتد که سرنوشت پیکار و سازمانهای چپ سال ۵۸ را یاد آوری کند و عدم رعایت دمکراسی از طرف دانشجویان را گوشزد نماید!!!!!! هنگامی که رفسنجانی در کنگره خانه کارگر هفته گذشته کارگران را از کمونیسم و سوسیالیسم برحذر میدارد و... همگی حکایت از یک حقیقت ساده میکنند. هژمونی چپ و کمونیسم در جامعه.

این همان شبحی است که در آسمان ایران در گشت و گذار است.

هنگامی که جامعه چپ میشود و انقلاب با قدمهای محکم و عمیق به پیش میرود، بسیاری که دیروز برابری طلبی و آزادی زن را به سخره میگرفتند امروز ناچارند به این میدان پا بگذارند. سعی میکنند خود را هم رنگ جماعت کنند. این یعنی هژمونی چپ بر جامعه، این یعنی اجتماعی شدن رادیکالیسم. و این یعنی حاشیه ای شدن راست در سطحی اجتماعی.

وقتی پادشاه ناچار میشود تاج و تخت را کنار بگذارد و "دمکرات" شود، وقتی ناسیونالیستهای عظیم طلب در پز مدافع برابری "ملتتها و اقوام" ظاهر میشوند، وقتی ناسیونالیسم سنتی در کردستان امکان سازش با بالائیها را تاریخ میبیند، در یک کلام وقتی فضا به نفع رادیکالیسم و کمونیسم تغییر میکند، همگی ناچارند مثل خمینی بگویند خدا هم کارگر

بود. طیفهای رنگارنگ اپوزیسیون تلاش مستمری کردند که مردم از چارچوب دوم خرداد فراتر نروند. اما امروز شاهد فراتر رفتن خود دوم خردادیها از همان چهار چوب هستیم.

این فاکتورها تنها گوشه هایی از تسلط افق چپ و پیشروی انقلاب در جامعه است. در جریان ۸ مارس ما شاهد جنب و جوش بسیاری از جریانات هستیم که قبلاً جریانات مهمی برای این روز قائل نبودند. ما این جنب و جوش را نشانه پیروزی سیاست و خط رادیکال کمونیسم کارگری میدانیم. ما این سیمای جامعه را نشانه هژمونی کمونیسم و رادیکالیسم میدانیم. اما فرقه هایی هم هستند که در همان چهار چوب عقب مانده فکر میکنند ولی در رقابت با این جریانات تازه وارد احساس میکنند که جایشان تنگ شده است. اینها از یک جنبش و از یک سنت تغذیه میکنند. رقابتشان به منظور تسلط بر جنبش خودشان است.

حرکت جامعه و هژمونی چپ بر جامعه عمیقتر و محکمتر از آن است که اینها بتوانند مهارش کنند. ما در میدان سیاست ایران مبشر و منبع این رادیکالیسم هستیم. نه حالا از ۲۶ سال قبل ما همین خط رادیکال را نمایندگی کرده ایم. این صندلی اشغال شده است. کسی در این میدان رقیب ما نیست. همچنانکه در انقلاب هم رقیب نداریم. ما دشمنان ضد انقلاب خود را میشناسیم. آنها را در میدانهای مختلف به جامعه معرفی کرده ایم. به عقب رانده ایم و هر حرکتشان را زیر ذره

شهلا قربانی سنتهای عقب مانده شد



نسرین رمضانعلی

خبر متاثر کننده خودسوزی شهلا علی پناه کودک ۱۳ ساله ساکن مریوان که تنها گنااهش مدرسه رفتن بود، قلب هر انسانی را بدرد می آورد. خانواده شهلا که از رفتن وی به مدرسه ممانعت به عمل آورده بودند، دنیای آرزوهای شهلا که عاشق درس و مدرسه و یاد گرفتن بود را به یاس تبدیل کردند. او در دنیای کوچکش از شدت ناراحتی پایان دادن به زندگی خود را برگزید. شهلا علی پناه روز ۸ اسفند اقدام به خودسوزی نمود. شهلا را در روز ۱۰ اسفند به بیمارستان شهر سنندج منتقل کردند. شهلا که امکان مدرسه رفتن از او گرفته می شود، دنیای پاک و بی آرایش کودکانه اش بر سرش فرو می ریزد. از نظر شهلا این کودک ۱۳ ساله و با منطق و عقل کودکانه اش شاید منطقی ترین راه حل برای پایان دادن به

این کابوس، پایان دادن به زندگی اش بوده است. کسی نمیداند چرا خانواده او را از رفتن به مدرسه منع کرده اند. فقر مالی او را از رفتن به مدرسه باز داشته یا افکار و عقاید عقب مانده و ارتجاعی آمیخته به ناسیونالیسم و مذهب. این اقدام والدین او هر دلیلی داشته باشد زندگی این کودک را به کابوس تبدیل نمود. تفکرات کودک آزار و زن ستیزی که جمهوری اسلامی بر زندگی میلیونها انسان تحمیل کرده است قطعاً عامل اصلی این فاجعه بوده است. شهلا فقط یکی از هزاران کودکی است که در سایه از گور برخاستن فرهنگ کودک آزاری اسلامی در ایران قربانی میشود. فرهنگ سنتی و کودک آزاری بویژه در مورد دختران با شدت و وسعت بیشتری با حمایت قوانین و مقررات موجود در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عملی میشود. شهلا قربانی مناسبات و قوانین و فرهنگی است که در آن کودک نه تنها حق و حقوقی ندارد، بلکه تجاوز به حق و حقوق

کودک قانونی است. در قوانین جاری کشور می شود دختر بچه ۹ ساله را شوهر داد و قانون اسلامی ایران اجرای آن را "وظیفه مقدس" میدانند. بر اساس قوانین اسلامی میشود شهلاها را کتک زد، زیرا این امری اسلامی است. زیرا دختران از ۹ سالگی بزرگسال بحساب می آیند. علاوه بر این خانواده و افراد مذکر می توانند برایش تصمیم بگیرند. وقتی کودک ۹ ساله شد به زور و حتی علیه مخالفت کودک میتوان او را به عقد کسی در آورد. زیرا بر اساس فرهنگ اسلامی "جن و شیطان و ارواح خبیثه" در وجود دختر بچه ها رخنه میکنند و هر آن احتمال دارد "قتله ای" به پا نمایند. شهلا قربانی این نظم و مناسبات و سنت شده است. رژیم جمهوری اسلامی ارتجاعی ترین، به واپسگرا ترین گرایشات ضد کودک و ضد زن شکل و شمایل قانونی بخشیده است. شهلا مخالفت خانواده اش مبنی بر نرفتن به مدرسه را نمی توانست حتی علنی نماید. چرا که در حکومت جمهوری اسلامی کودک حق اظهار نظر ندارد، و کودکان مالکی دارند و آنهم خانواده است. در جمهوری اسلامی ایران هیچ ارگان و مقامی وجود ندارد که از شهلاها حمایت کند. اصولاً حمایت از کودک با نفس اسلام و قوانین ارتجاعی و ضد کودک آن خوانایی ندارد. اینجا قانون شهلا ۱۳ ساله را بزرگسال به حساب می آورد. اگر او حتی میتواند اقدامی برخلاف خانواده و رسم و رسوم محل انجام دهد، آنوقت مدیر مدرسه و انجمن اسلامی و مسئول عقیدتی این اجازه را به او نمی دادند که به مدرسه برود. چرا که از امر خانواده که "صلاح" شهلا را می خواهند، سرپیچی کرده است. سر پیچی از سنتهای عقب مانده و کودک آزار در جمهوری اسلامی جرم محسوب میشود. شهلا با دنیای کودکانه اش هر کاری بر خلاف خانواده و سنتهای رایج انجام میدهد مجرم بود. در جمهوری اسلامی ایران کودکان بویژه دختران باید مطیع خانواده و سنتهای عقب مانده باشند. این وضعیتی است که

میلیونها کودک و به خصوص دختران جوان و خردسال با آن روبرو هستند. اما اگر خانواده شهلا از روی فقر فرهنگی و یا به هر دلیل دیگری دخترشان را از رفتن به مدرسه باز داشته اند، که به نوبه خود کاری اشتباه و نقض حقوق کودک می باشد، در این شکی نیست که جمهوری اسلامی و قوانین و مقررات ضد کودک آن در این ماجرا مسئولیت مستقیم دارند. قاتل شهلا جمهوری اسلامی و ارتجاع فرهنگی و سنتهای عقب مانده است. برای پایان دادن به هر آنچه در بالا به آن اشاره شد، جمهوری اسلامی و کل دم و دستگاه ارتجاع اسلامی را به همراه همه قوانین ضد کودک و ضد بشری اش باید به زیر کشید. با سرنگونی جمهوری اسلامی مبارزه با افکار و عقاید ارتجاعی و ضد کودک آسانتر خواهد بود. در آستانه برگزاری مراسم های ۸ مارس روز جهانی زن، باید جمهوری اسلامی را به مصاف طلبید و کیفر خواست خود را علیه این نظام ارتجاعی اعلام کرد. *****

ادامه نغو مجوز "کانون زنان کرد مدافع

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران این سیاست مستبدانه را محکوم میکند.

مردم حق دارند هر اجتماع یا تشکلی را سازمان بدهند. باید به این اقدام که نقض آشکار حقوق مردم است اعتراض کرد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۲۸ فوریه ۲۰۰۵ ۱۰ اسفند ۱۳۸۳

بر اساس اطلاعیه ای که این کانون صادر کرده است اداره حفاظت اطلاعات و نیروهای انتظامی به این کانون ابلاغ نموده است که اجازه فعالیت ندارد. این در شرایطی است که قبلاً به منظور دریافت مجوز، پرونده کسب اجازه تحویل مقامات مربوطه داده شده بود.

گفتگو با حمید تقوانی در پالتاک

هر پنجشنبه ساعت ۹ بعد از ظهر بوقت اروپای مرکزی

۲۰۱۱ دقیقه بوقت ایران

در گروه

By language/Nationality/Other

آدرس اتاق:

Ba Hamid Taqvae - Iran

از سایت
کمیته
کردستان
دیدن کنید

www.iskraa.org

۱۳۸۳/۸ مراسمهای ۸ مارس .

بین قرار داده و میدهم.

خوشحال خواهیم شد که تمام جریانات راست، ناسیونالیست و حتی مذهبی بیایند و خود را مدافع برابری زن و مرد و مدافع آزادی و برابری بدانند. هر کس میخواهد و میتواند پا به این عرصه بگذارد خوش آمد. ما در راه روی کسی نمیبنسیم. در عین حال با تمام توان تلاش میکنیم که برنامه، سیاست و مطالبات سوسیالیستی

خودمان را به افکار و مطالبات جامعه تبدیل کنیم. دور نیست فردا در کردستان حزب دمکرات و بها ادب و در تهران نهضت آزادی و طیف دوم خرداد و سردار طلایی هم از برابری زن و مرد حرف بزنند. به هر نسیتی که جنبش ما دست بالا پیدا کند به همان نسبت جریانات راست ناچار به عقب نشینی میشوند و از حقوق مردم حرف خواهند زد. ما همه را دعوت میکنیم که از حقوق مردم، حقوق زن، حقوق کودک و.... حرف بزنند.

کسی که تا دیروز کشتار مخالفینش را پیروزی خود میدانست و امروز علیه اعدام حرف میزند، به جرم جرایم گذشته محاکمه میشود اما مخالفت با اعدام امروزش نشانه پیشروی جنبش ما است. ما در این مسیر سدهای مهمی را شکسته و تابوهای زیادی را بی اعتبار کرده ایم. سنت شکنی و مدرن بودن یکی از خصوصیات جنبش ما است. گرمی داشت ۸ مارس یعنی گرمی داشت تاریخ کمونیسم و اعلام محکومیت

سنتها و قوانین ضد زن. کسانی که این روز را گرمی میدانند میدانند که کلارا زتکین کمونیست معروف آلمانی مبتکر این روز است. میدانند که این روز را کمونیستها در تاریخ ثبت کرده اند. ۸ مارس امسال میتواند و باید جنبش برابری طلبی در ایران را بیش از پیش به جامعه معرفی کند. ۸ مارس امسال را باید در ابعادی توده ای و با اشکالی رادیکال گرمی بداریم. جنبش برابری طلبی در ایران

امکان و توان آنرا دارد که سیمای رادیکالیسم کل جامعه را پررنگ تر بجلو سوق دهد. مراسمهای ۸ مارس امسال باید رادیکال و توده ای پیش برده شود. ما همه فعالین مدافع حقوق زنان را فرا میخوانیم که با برافراشتن پرچم نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی، نه به قوانین اسلامی و زنده باد آزادی زن این روز را با قدرت تمام گرمی بدارند.

فوریه ۲۰۰۵

جمع آوری ماهواره ها در سندج و مریوان

بر اساس اخبار رسیده جمهوری اسلامی در شهرهای سندج و مریوان اقدام به جمع آوری ماهواره ها کرده است. قبلاً به اطلاع رساندیم که یک نفر به جرم فروش ماهواره در مریوان دستگیر شده بود. اکنون از روز شنبه نیروهای انتظامی رژیم دست به خانه

گردی زده و ماهواره ها را جمع آوری میکنند. این اقدام رژیم باید از طرف مردم جواب لازم را بگیرد. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران مردم کردستان را فرامیخواند که در مقابل خانه گردی و اذیت و آزار مردم به نیروهای رژیم اسلامی اعتراض کنند. مردم نباید اجازه بدهند که نیروهای

انتظامی ماهواره ها را جمع آوری کنند. استفاده از ماهواره مثل هر وسیله دیگری بخشی از وسایل مورد نیاز زندگی است. تعرض به خانه های مردم باید جرم به حساب بیاید و هیچ کس حق دخالت در امور خصوصی و شخصی شهروندان را ندارد. جوانان و مردم محلات باید به حضور نیروهای رژیم حساسیت نشان دهند.

هرگاه نیروهای سرکوبگر وارد محله میشوند باید با تعرض مردم و بویژه جوانان روبرو شوند. آنها را باید از محلات مختلف فراری داد. ما همه جوانان و مردم آزادبخواه کردستان را فرا میخوانیم که با تعرض به نیروهای سرکوبگر مانع جمع آوری ماهواره ها شوند. نباید اجازه بدهیم که نیروهای

سرکوبگر خانواده ها را به تنهای تحت فشار و آزار قرار دهند. تعرض به هر خانه ای باید با اعتراض همه مردم اطراف روبرو شود.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۸ فوریه ۲۰۰۵
۱۰ اسفند ۱۳۸۳

جمهوری اسلامی یک فعال کارگری را در سندج ربوده است

جان این کارگر در خطر است. جمهوری اسلامی مسئول جان او میباشد.

بهاءالدین حسینی روز ۳ اسفند ۱۳۸۳ برابر با ۲۲ فوریه ۲۰۰۵ در شهر سندج ربوده شده است.

حسینی یک فعال کارگری است که در یک کارگاه ساختمانی در سندج مشغول

به کار بود. چند روز قبل از ربودنش نیروهای امنیتی رژیم اسلامی خانه او در سندج را مورد بازرسی قرار داده بودند. حسینی از روز ۳ اسفند تا کنون به خانه اش بر نگشته است. بستگان و دوستانش تا کنون با جواب سر بالای نیروهای رژیم اسلامی روبرو شده اند. جمهوری اسلامی مسئول جان این کارگر میباشد. ما

از همه سازمانهای مدافع حقوق انسانی و از همه سازمانهای کارگری میخواهیم که سریعاً جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهند. جان بهاءالدین حسینی در خطر است و باید فوراً آزاد شود. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ اسفند ۸۳
۲ مارس ۲۰۰۵

اطلاعات نیروهای انتظامی

اجتماعی در سطح وسیع تری همچنان ادامه دارد.

بر اساس خبری که به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران رسیده است همزمان با این اقدامات سازمان اطلاعات نیروهای انتظامی بیش از پیش فضای شهرهای کردستان را نظامی کرده اند.

ما از مردم کردستان میخواهیم علیه تهدید و احضار فعالین سیاسی و اجتماعی اعتراض کنند. جمهوری اسلامی در

موقعیتی نیست و قادر نیست فضای سیاسی ایران و به طبع کردستان را تحت کنترل قرار دهد. مردم با تجمع وسیع در مراسمهای ۸ مارس باید جواب درخوری به مقامات رژیم بدهند.

مردم باید با حضور در مراسم های ۸ مارس و اعتراض به قوانین ضد زن جمهوری اسلامی نشان دهند که این تهدید و فشارها فقط به تنفرشان علیه وجود این رژیم می افزاید.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ اسفند ۱۳۸۳ - ۲
مارس ۲۰۰۵